



سخنان اخیر خاتمی

و

دو نکته نه چندان تازه

سخنان اخیر خاتمی در تاریخ یکشنبه پانزدهم اردیبهشت ماه که در تالار حافظیه تهران ایراد نمود، حاوی دو نکته مهم بود. رئیس جمهوری اسلامی در سخنان خود از جمله گفت "اگر احساس کنم دولت از مسیر تحقق اهداف انقلاب و جنبش اصلاح طلبی ملت ذره‌ای منحرف شده است، لحظه‌ای در مسئولیت ریاست جمهوری نخواهم ماند." خاتمی به شنوندگان خود "اطمینان" داد که "دولت راه خود را گم نکرده است" و چنین اضافه کرد که اگر نتوانستیم خواست ملت را برآورده سازیم، کنار خواهیم رفت! این چند جمله کوتاه از سخنان آقای رئیس جمهور، پیشوای "اصلاح طلبان حکومتی" و دنباله روان وی در خارج از حکومت، بار دیگر این حقیقت اثبات شده را در برابر چشم همگان قرار داد که جنبش اصلاحات آقایان، ادامه همان چیزی است که تاکنون پی گرفته و انجام شده است و اگر که خاتمی هنوز در مسئولیت ریاست جمهوری مانده است، معنایش آن است که جنبش اصلاح طلبی ایشان، بدون ذره‌ای انحراف در مسیر خود گام برداشته است. خاتمی نه فقط چنین عنوان کرد که دولت، دقیقاً در مسیر اصلاحات مورد نظر وی گام برداشته است، فراتر از این ادعا کرد که خواست مردم را نیز برآورده ساخته است، چرا که اگر غیر از این بود، او در مسئولیت خود باقی نمی ماند و کنار می رفت.

این که آقای خاتمی و دولتش تاکنون کدام یک از خواست های توده مردم را برآورده ساخته است بماند. این شوخی را، توده زحمتکش مردم با مبارزات اعتراضی جدی خویش برای تحقق مطالبات شان پاسخ داده اند و خواهند داد. آقای رئیس جمهور، اما از این طریق در واقع امر یکبار دیگر تمام ظرفیت "اصلاح طلبان حکومتی" را واگویه نمود و با تاکید مکرر بر قانون

صفحه ۲

سمینار بین المللی کمونیستی بلژیک

و سازمانهای کمونیستی است که از مارکسیسم - لنینیسم دفاع کرده و بارویزیونیسم مبارزه می کنند.

در ابتدای سمینار، لودومارتنز، دبیرکل حزب کار بلژیک، به بیش از صدو نود تن از اعضای هیئت های نمایندگی خوش آمد گفت و برای سمینار آرزوی موفقیت نمود. او گفت که نیروهای مارکسیست - لنینیست به اندازه کافی در سطح جهانی همکاری ندارند و میان نظرات و عملشان فاصله وجود دارد. مارتنز پس از نگاه کوتاهی به وضعیت سیاسی و اقتصادی در جهان خواهان بحث جدی بر سر انترناسیونال پرولتری شد. او یادآوری نمود که در سال ۱۹۹۲ نخستین سمینار بین المللی کمونیستی در حالی برگزار شد که آمریکا و ایدئولوگ های بورژوازی از "پایان تاریخ" سخن می گفتند اما امروز ما شاهد مبارزات گسترده کارگری در سطح جهان علیه سرمایه داری و به ویژه مبارزات بسیار

صفحه ۳

حزب کار بلژیک هر سال از ۲ تا ۴ ماه مه یک سمینار بین المللی کمونیستی را در بروکسل برگزار می کند. امسال یازدهمین سمینار بین المللی برگزار شد و احزاب و سازمان های از سی و هشت کشور جهان به شرح زیر در این سمینار شرکت نمودند. آلبانی، الجزایر، اتریش، بنگلادش، بلژیک، برزیل، کامرون، چاد، کلمبیا، کوبا، کره شمالی، کنگو، مکزیک، اکوادور، فرانسه، آلمان، انگلستان، مجارستان، هندوستان، ایران، ایتالیا، لتونی، مکزیک، نپال، هلند، نروژ، پاکستان، فلسطین، لائوس، پرو، فیلیپین، رومانی، روسیه، سنگال، اسپانیا، سوئد، ترکیه، اکرائین، و ایالات متحده آمریکا.

از ایران سازمان فدائیان (اقلیت) به این سمینار دعوت شده بود و یک هیئت نمایندگی از سازمان ما در این سمینار شرکت کرد. حزب کار بلژیک در معرفی کوتاه این سمینار می نویسد: هدف این سمینار گرد هم آیی احزاب

((طرح منع شکنجه)) و بلامانع بودن شکنجه

بازجویی در شب، بی خوابی دادن به زندانی، انجام اقداماتی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی می شود، فحاشی و به کار بردن کلمات رکیک و توهین در حین بازجویی، استفاده از داروهای روان گردان، نگهداری زندانی در محل هایی با سر و صدای آزار دهنده، گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی

صفحه ۸

در حالی که جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی و پلیسی اش، در طول دو هفته گذشته نیز به روال پیشین مشغول بریدن دست و پای محکومین، سنگسار و اعدام در خیابان ها و شکنجه جسمی و اعمال فشار بر زندانیان سیاسی بودند، مطبوعات رژیم و رادیو های فارسی زبان کشورهای دیگر، تبلیغات وسیعی را حول " طرح منع شکنجه " به نفع رژیم سازمان دادند.

این طرح که روز ۱۸ اردیبهشت ماه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، مشتمل بر ۱۲ ماده است. ماده اول که مهمترین بخش این مصوبه است، می گوید: هرگونه اذیت یا آزار بدنی برای گرفتن اقرار، نگهداری زندانی به صورت انفرادی، چشم بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشتگاه،

توجه!

شماره فکس سازمان تغییر کرده است

برای فکس به سازمان

از شماره های زیر استفاده کنید

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۱۹۶۷

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

در این شماره

ستون مباحثات : ((سخنی اجمالی با رفیق یدی)) صفحه ۵

اخبار کارگری جهان ۴ اخباری از ایران ۴

سخنان اخیر خاتمی

و

دو نکته نه چندان تازه

اساسی و رعایت آن، فضای ذاتا مسدود و دایره بسیار تنگ اصلاحات در چارچوب حکومت اسلامی را به بهترین نحوی ترسیم نمود. آقای خاتمی البته زمانی این سخنان را بر زبان راند که درست یک روز قبل از آن دستگاه قضایی در ادامه اقدامات قبلی خود، حکم توقیف چند روزنامه وابسته به "اصلاح طلبان حکومتی" از جمله "بنیان" و "ایران" را صادر کرده بود. هرچند با پادرمیانی مجلس، از "ایران"، عجالتا رفع توقیف شد، اما بلافاصله حکم توقیف روزنامه "نوروز" صادر گردید.

هر آدم منصفی که رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایران را در دوره ریاست جمهوری خاتمی دنبال کرده باشد، بدون شک متوجه این موضوع نیز شده است که خاتمی نه فقط خواست توده مردم را برآورده نساخته است - که چنین چیزی اصولا در ماهیت وی نیست! - بلکه حتی در چارچوب منافع همپالگی - های خویش و دوم خردادها نیز هیچگونه اقدام جاندار و مثمر ثمری انجام نداده است. آقای خاتمی به عنوان رهبر "جناح اصلاح طلب" در جریان منازعاتش با جناح رقیب، با خواری و زبونی و تسلیم طلبی، دایم عقب نشسته است و چه بسا طرفداران خویش را نیز که روی ایشان و حمایت هایش حساب می کردند، قربانی ساخته است. قتل های سیاسی زنجیره ای، وقایع کوی دانشگاه تهران، مسایل مربوط به کنفرانس برلین، استیضاح و برکناری مهمترین وزیر آقای خاتمی، مهاجرانی، منازعه مجلس و قوه قضائیه، دستگیری و حبس روزنامه نگاران، تعطیل و توقیف روزنامه ها، احضار و محاکمه نمایندگان مجلس وابسته به جبهه دوم خرداد، طرح اصلاح قانون انتخابات و مطبوعات و دهها نمونه دیگر که ذکر آن از حوصله این مقاله خارج است، تماما گواه همین حقیقت است.

معنای سخنان خاتمی به زبان ساده این بود که "اصلاحات" و "جنبش اصلاح طلبی" همان چیزی است که تا کنون بوده و بعد از این هم همان است و کسی نباید بیش از این انتظار داشته باشد. و این البته نکته و سخن درستی است ولو آنکه با ادای آن، چه بسیار امیدهای واهی عقب مانده - ترین و متوهم ترین طرفداران خویش و نیز پادوان بورژوازی بیرون از حاکمیت به ویژه جریانات راست توده ای - اکثریتی را که هنوز به معجزات خاتمی دل بسته اند، بریاد داد. و اما نکته دوم.

آقای خاتمی که مثل سایر سران و دست

اندر کاران حکومتی شاهد بحران شدید اقتصادی و سیاسی و شاهد نارضایتی روز افزون توده مردم است، او که مانند دیگر هم ردیفان خویش از تراکم نارضایتی توده های و فضای ملتهب جامعه به هراس افتاده و به رغم گوش های سنگین اش صدای اعتراض همگانی را شنیده است، او که می بیند جامعه آستان "ناآرامی" های اجتماعی است و به آستانه انفجار نزدیک می شود، بار دیگر در سخنان خود بر "آرام" سازی جامعه تاکید نمود. خاتمی البته با کلمات و اصطلاحات خود به تفسیر و توضیح وضع جامعه پرداخت. او در همان حال که به وجود "ذهنیت و تجربه منفی" در مورد حکومت دینی - بخوان تنفر و انزجار مردم از حکومت اسلامی - اعتراف نمود، گفت که "جامعه در آستانه آشفتگی قرار دارد" گفت که تلاش او کاستن از آشوب زدگی، وضعیت "بحرانی" و "هیجان زده" جامعه، و ایجاد "فضای آرام" است. آقای خاتمی بدین ترتیب واقعیت دیگری را بر زبان راند و بار دیگر بر مهمترین نقشی که از آغاز روی کار آمدنش برعهده گرفته است، یعنی انحراف اذهان، مبارزات و اعتراضات مردم و عقب انداختن لحظه انفجار و قیام نهائی کارگران و زحمتکشان تاکید نمود. اعترافات آقای خاتمی اگر چه مهم است، اما تا آنجا که به توده مردم و به کارگران و زحمتکشان مربوط می شود، تازگی ندارد. اولاً مدتهاست که نه فقط توده مردم زحمت - کش، بلکه حتی برخی محافل و گروه های وابسته و یا نزدیک به "جناح اصلاح طلب" نیز به ماهیت اصلاحات دولتی پی برده اند و دیگر کسی اگر که ریگی در کفش نداشته باشد به آن متوهم نمی شود.

تصویب قوانین ضد کارگری در مجلس از جمله لایحه خروج کارگاه های با کم تر از ۵ کارگر از شمول قانون کار، لایحه بازسازی صنایع نساجی که دست سرمایه داران و کار فرمایان را جهت زورگویی، تشدید فشار و استثمار و اخراج کارگران بیش از پیش باز گذاشت، قانونی کردن قراردادهای موقت کار، ادامه و گسترش خصوصی سازی ها و بیکار سازی های وسیع کارگران، حذف کارگران قالی باف از شمول قانون کار، بلوکه کردن حقوق و مزایای کارگران، زدن از حق و حقوق و تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی کارگران، سرکوب اعتصابات کارگری، تصویب لوایح ارتجاعی ضد مطبوعات، توقیف روزنامه ها و سرکوب و حبس روزنامه نگاران و آزادی خواهان، سرکوب خونین دانشجویان، معلمان، دانش آموزان، سرکوب و سنگسار زنان و دفاع آشکار از تبعیضات ننگ آور جنسی، پیشبرد سیاست های نئو - لیبرالی انحصارات امپریالیستی که اکثر مردم زحمتکش را به فقر و سیاه روزی سوق داده است، سر فصل اقدامات و اصلاحات آقای خاتمی و سایر اصلاح طلبان حکومتی

را تشکیک می دهد. راست این است که جنبش اصلاح طلبی "آقای خاتمی"، بدون ذره ای انحراف در همین مسیر جلو رفته است. ثانیاً این درست است که بورژوازی برای مهار و کنترل اعتراضات و انحرافات مبارزات توده ای و در نهایت تعویق لحظه قیام، به جریان خاتمی نیاز دارد و از آن سود می جوید، اما باید در نظر داشت که عملکرد این جریان به فوریت تمام پرده ها را کنار زده است. اعتراضات و مبارزات توده ای در حال گسترش است. کمیت و کیفیت اعتراضات و اعتصابات کارگری با سال های گذشته قابل قیاس نیست و در این زمینه گامهای بسیار مهمی به جلو برداشته شده است. اعتراضات و مبارزات دانشجویان، زنان، معلمان و دانش آموزان، اعتراضات توده ای در محلات و شهرها در حال گسترش است و اینها همه حاکی آن است که پرده های اصلاحات و وعده های تو خالی شکست خورده و قدرت فریبندگی خود را از دست داده است. وانگهی خوش آهنگ ترین لفاظی ها هم نه قادر به حل تضادهای طبقاتی است و نه می تواند پیکارهای قانون مند طبقاتی را مانع شود. اکثریت عظیم جامعه خواهان دگرگونی های عمیق و در هم شکستن نظم موجودند. وقتی که طبقه کارگر بطور متشکل و در مقیاس سراسری وارد میدان شود، وقتی که طبقه کارگر رهبری این مبارزه جدی برای تغییر نظم موجود را در دست گیرد، دیگر مجالی برای آرامش خیال و تاملین "فضای آرام" طبقه حاکم که نمایندگان آن، از جمله آقای خاتمی چندین سال است برای حفظ و تامین آن، تلاش می کنند، باقی نخواهد ماند.

«طرح منع شکنجه» و

بلامانع بودن شکنجه

کمترین حد و تازیانانه را مجاز نمی دانند؟ و چگونه کسی می تواند در مورد این وحشی گریها که نمونه هایی از بی رحمانه ترین شکنجه ها محسوب می شوند، سخن نگویید و آنها را، محکوم و مردود نداند، اما از منع شکنجه سخن بگوید؟ سخن کوتاه. حکومت مذهبی چپ و راست، محافظه کار و اصلاح طلب، نمی شناسد. تمام کسانی که مدافع حکومت اسلامی هستند، بدون استثناء مدافعین پوشیده و آشکار شکنجه و کشتارند. شکنجه جزء لاینفک حکومت مذهبی ست. یک دولت مذهبی بدون شکنجه و کشتار، اختناق و سرکوب محال است. این حقیقت را تمام تاریخ بشریت و تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی در ایران، آشکار و عریان به همگان نشان داده است. بدون نابودی دولت مذهبی هیچ بحث و صحبتی از منع شکنجه نمی توان به میان آورد. لذا نخستین کلام در نفی شکنجه، نفی جمهوری اسلامی و سرنگونی آن است.

زنده باد سوسیالیسم

سمینار بین‌المللی کمونیستی بلژیک

- نماینده فدراسیون اتحادیه‌های ملی کارگران کشاورزی کلمبیا، ضمن مروری بر اوضاع اقتصادی این کشور شمایبی از وضعیت کارگران کشاورزی ارائه داد: " روند اقتصادی در کلمبیا طی ۱۰ سال گذشته به رانده شدن کشاورزان انجامیده است. ۲۶ درصد جمعیت فعال بیکار و ۲/۵ میلیون نفر در جستجوی کار از روستاها به شهرها مهاجرت کرده‌اند. طی سالهای گذشته کارگران کشاورزی از عضویت در اتحادیه‌ها استقبال کرده ولی با این وجود تنها ۱۶ درصد مجموع کارگران کشاورزی در اتحادیه‌ها متشکل شده‌اند. " نماینده فدراسیون، در پایان سخنان خود به روند رو به رشد مبارزات و مقاومت اشاره کرد و بر ضرورت تشکل و سازمان‌یابی کارگران تاکید نمود.

- " انریک رامیرز " نماینده حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اکوادور از تاثیرات مخرب " نئولیبرالیسم " بر اوضاع اقتصادی این کشور سخن گفت: " در نتیجه این سیاست‌ها، ۸۰ درصد از جمعیت اکوادور در فقر به سر می‌برند که نیمی از آن زیر خط فقر قرار دارند. تعطیل کمپانی‌ها، بیکاری وسیع را به دنبال داشته است. روند مهاجرت کارگران به سایر کشورها یکی از پدیده‌های قابل توجه در اکوادور است. در بستر چنین شرایطی، مبارزات روزبه روز اوج می‌گیرند. روی آوری به تشکل یکی از جوانب مثبت این شرایط است. اقبشارمختلف در اتحادیه‌های خود متشکل می‌شوند. " وی در پایان بر ضرورت سازماندهی هدفمند اقبشار مختلف اجتماعی تاکید نمود و نیروهای پیشرو در آمریکای جنوبی را به سازمان‌دهی و رهبری توده‌ها فراخواند.

- نماینده حزب پرولتری پرو، " نقش امپریالیسم در پرو " را مورد ارزیابی قرار داد: " تاثیر سیاست‌های امپریالیستی در پرو، تحركات متعددی در میان نیروهای تولیدکننده جامعه به وجود آورد. از سوی دیگر، بخشی از نیروهای چپ ما به انحلال‌گرایی روی آوردند. " وی در بخش دیگری به انتقاد از مبارزه مسلحانه‌ای که طی ۲۰ سال گذشته در پرو در جریان بوده است، پرداخت و اظهار داشت: " تخصیص نیروی مادی و معنوی جنبش به مبارزه مسلحانه، مانع از سازماندهی و تشکل‌یابی کارگران شده است. از یک سو با ضعف سازماندهی توده‌ای روبرو هستیم، از سوی دیگر با فرمیسم درون جنبش چپ. وی در پایان بر مبارزه با فرمیسم و تلاش جهت سازماندهی طبقاتی تاکید نمود و خاطر نشان ساخت که در تحولات آتی، تنها یک آلترناتیو سوسیالیستی پاسخگوی نیازهای اکثریت جامعه است.

- نماینده حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) هندوستان گفت که امپریالیسم فعلا جنگ‌های منطقه‌ای به راه می‌اندازد تا بتواند بحران اقتصادی را تعدیل کند. او با مثالی از یک انحصار هندی به نام "تاتا" اظهار داشت که از هر صد دلاری که قرض گرفته می‌شود ۲۵ دلار برای بازپس دادن قرض‌های قبلی است. او در پایان پرسشی را با این مضمون مطرح کرد که آیا این جنگ‌های امپریالیستی هستند که موجب انقلابات می‌شوند یا این که این انقلابات هستند که موجب پایان جنگ‌های امپریالیستی هستند.

- نماینده سازمان مابحثی رادرمورد بحران اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری ارائه داد. وی بحران ساختاری و مزمین نظام سرمایه‌داری را تشریح نمود و با استناد به بحران‌های سه دهه اخیر نشان داد که در نتیجه تشدید تناقضات شیوه تولید سرمایه‌داری، بحرانهای اقتصادی نظام سرمایه‌داری ابعاد وسیع‌تر و مخرب‌تر به خود گرفته‌اند و دوره‌های رکود در سیکل بحران طولانی‌تر شده‌اند. وی با استناد به آمار وفاکت‌های اقتصادی، سقوط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به ۰/۸ درصد در سطح جهان تا اوایل ۲۰۰۲ و بحرانی که جهان سرمایه‌داری را فراگرفته است، نتیجه گرفت که واقعیت‌های اقتصادی اوایل قرن بیستم، یک بار دیگر در آغاز قرن بیست و یکم خود نمایی می‌کنند و جهان سرمایه‌داری به سوی یک رکود اقتصادی همه‌جانبه و بحرانی عظیم‌تر پیش می‌رود. او گفت که با سلطه انحصارات و سرمایه‌مالی، اصولا بحران تمام جوانب نظام سرمایه‌داری را فراگرفته است. بحران بزرگ ۱۹۳۲-۱۹۲۹ که تمام ارکان نظام سرمایه‌داری را به لرزه درآورد، بیانگر چیز دیگری جز پوسیدگی این نظام نبود. بورژوازی برای مقابله با این بحران همه‌جانبه، فاشیسم و جنگ را در دستور کار قرار داد. اکنون نیز نظام سرمایه‌داری جهانی با یک بحران عمومی روبروست و یکی از جوانب این بحران، بحران در نظام سیاسی بورژوائی است. وی گفت، بی‌اعتمادی اکثریت عظیم مردم در آمریکا و اروپا به سیستم سیاسی موجود، دلیل شرکت نکردن گاه‌بیش از نیمی از مردم در انتخابات گوناگون است. وی همچنین به نقش وسایل ارتباط جمعی و شکل دهی به افکار عمومی را که در اختیار انحصارات است اشاره کرد. بخش دیگری از سخنان نماینده سازمان نیز به تاثیرات بحران‌های اقتصادی، بر شرایط کار و معیشت طبقه کارگر در مقیاس جهانی اختصاص یافت.

وسیع علیه " جهانی شدن " هستیم. سپس سمینار وارد بحث و تبادل نظر در زمینه موضوع از پیش تعیین شده خود شد. این موضوع برای امسال " بحران‌های اقتصادی و امکان یک بحران بزرگ جهانی " بود. کثرت متون ارائه شده و ضیق وقت موجب گردید که برگزارکنندگان سمینار برخی از بحث‌های ارائه شده را برای طرح در سمینار سه روزه در نظر بگیرند که متن ارائه شده از سوی سازمان مایکی از آنها بود. در زیرنکات مهم برخی از بحث‌ها را می‌آوریم. یادآوری می‌کنیم که پس از ارائه دو یا سه بحث، وقتی برای پرسش‌ها و گفتگو بر سر بحث‌های ارائه شده در نظر گرفته شده بود.

- خانم تامیلیا پرو از اتحاد کمونیست‌های اوکراین گفت که بحران‌های ادواری سرمایه‌داری از ماهیت این نظم می‌آیند و نظر لنین رامبنی‌براین که فقط شکل‌این بحرانها تغییر می‌کنند، درست دانست. یابروا گفت که دوره‌های بیست ساله بحران مربوط به تجدید کالاها و دوره‌های چهار ساله مربوط به " انقلابات تکنولوژیک " هستند. او گفت که نظام سرمایه‌داری همیشه از راه‌انداختن جنگ استفاده می‌کند تا بخشی از وسایل تولید و تولید انبوه را از بین ببرد تا بدین وسیله بازارهای جدیدی ایجاد شوند.

- نماینده انجمن کارل مارکس مجارستان در مقایسه‌ای که بین بحران فعلی سرمایه‌داری با بحران بزرگ ۱۹۲۹ انجام داد گفت که امروز انحصارات نقش بیشتری در بحران دارند. او همچنین یادآور شد که " حباب مالی " (به وجود آمده از رد و بدل شدن سهام در بورس‌ها) بسیار بزرگ‌تر از سال ۱۹۲۹ است. وی در پایان گفت که برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم، سرمایه‌داری با یک تولیدفوق‌العاده انبوه بدون بازار مواجه است.

- تونی مورفی، نماینده حزب کارگران جهان از آمریکابه بخش‌هایی از جوانب بحران اقتصادی در آمریکا اشاره کرد. او افزایش ناچیز نرخ رشد در آمریکا را نتیجه افزایش بودجه نظامی دانست که هیچ دست‌آوردی برای بالا بردن سطح دستمزد واقعی و سطح زندگی کارگران نداشته است. مورفی گفت که اگر پدیده بی‌خانمانی تا پیش از ۱۹۸۰ در آمریکا وجود نداشته، امروز به یک معضل بزرگ تبدیل شده که صدها هزار نفر را در بر می‌گیرد. او در ضمن یادآور شد که تعداد زیادی از زحمتکشان آمریکا مجبورند با داشتن دو شغل روزگار بگذرانند.

اخباری از ایران

*- اعتصاب و تحصن کارگران کارخانه ایران ترانسفو

کارگران کارخانه ترانسفوی زنجان در اعتراض به عدم تحقق مطالبات صنفی خود از روز ۹ اردیبهشت دست از کار کشیدند و در محوطه شرکت تحصن نمودند. این تحصن و اعتصاب چند روز به طول انجامید. از نتیجه این اعتصاب و مطالبات کارگران خبری انتشار نیافت.

*- تجمع کارگران اخراجی در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری

گروهی از کارگران شهرداری که چند سال پیش به زور بازخرید و اخراج شدند و در طول دو سال گذشته مکرر تجمعات اعتراضی برپا کرده اند، روز اول ماه مه با تجمع در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری و مسدود کردن خیابان بهشت، خواهان بازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای خود شدند. خبرگزاری ایسنا از قول یکی از کارگران نوشت که با ۲۱ سال خدمت، شهرداری حدود یک میلیون تومان به ما پرداخت کرده است. واحدهای پلیس تجمع اعتراضی کارگران را برهم زدند.

*- اخراج صد هزار کارگر در یک سال

صادقی، یکی از سران تشکل دولتی خانه کارگر، اخیراً اعلام کرد که در یک سال گذشته، صد هزار تن از کارگران، از کار اخراج شدند و بیش از ۹۰ هزار نفر از کارگران بین ۱۵ روز تا ۹ ماه، حقوقی دریافت نکرده اند.

*- تجمع اعتراضی کارگران نساجی در مقابل فرمانداری

گروهی از کارگران نساجی قائم شهر با تجمع در مقابل فرمانداری خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. ۴ ماه است که حقوق و مزایای این کارگران پرداخت نشده است.

با کمک های مالی خود

سازمان را یاری رسانید

خواسته های خود به سرکار بازنمی گردند. معدنچیان خشمگین در ساعات اول اعتصاب به سرعت راههای اصلی منتهی به معادن را مسدود کرده و از عبور و مرور هزاران اتومبیل جلوگیری کردند. همزمان با این حرکت، صدها کارگر اعتصابی نیز در مقابل دفتر مرکزی صاحبان معادن " میسوره " دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند. صاحبان این معادن که تصور می کردند می توان هزاران کارگر اعتصابی را با وعده و وعید به سر کار بازگرداند، با مشاهده گسترش این اعتصاب به سرعت با مقامات دولت تماس گرفته و خواهان دخالت فوری و مستقیم آنان شدند. سرانجام پس از چندین ساعت مذاکره، سرمایه داران عقب نشسته و با بخش زیادی از خواسته های کارگران موافقت نمودند. کارگران پس از این پیروزی مجدداً کار را از سر گرفتند.

*- پاکستان: اعتصاب کارگران ادامه دارد

از روز ۱۵ آوریل، هزاران نفر از کارگران و کارکنان بخش دولتی در استان بلوچستان پاکستان در اعتصاب به سر می برند. خواسته اعتصابیون پرداخت هزینه های رفاهی معوقه و افزایش دستمزدها است. مقامات سرکوبگر دولت تلاش دارند که این حرکت اعتراضی را با توسل به نیروهای ضد شورش پلیس و ارتش و با جلوگیری از راهپیمایی و برهم زدن تجمعات اعتصابیون خاتمه دهند. در این مدت بیش از ۳۰۰ کارگر اعتصابی دستگیر و روانه زندان شدند و رهبران این حرکت اعتراضی نیز از تجاوزات خودسرانه مأمورین پلیس و ارتش در امان نمانده و آنان نیز مورد آزار و تعقیب قرار دارند. برغم تمام این سرکوب - گریها، اعتصابیون اعلام نموده اند که تا رسیدگی کامل به خواسته های خود دست از اعتصاب نکشیده و به سرکار باز نخواهند گشت.

کمک های مالی رسیده

کانادا - ونکوور

لاکومه ۳۸۰ یورو

آلمان

سیاوش ن ۲۵ یورو

دانمارک

هوشنگ احمدی ۵۰ کرون دانمارک
 همزمان احمدزاده ۱۰۰ کرون دانمارک
 همزمان احمدزاده ۵۰ کرون دانمارک
 همزمان احمدزاده ۵۰ کرون دانمارک



*- اعتصاب فلزکاران آلمان

چندین دور مذاکره میان نمایندگان و صاحبان صنایع فلزی در آلمان سرانجام در روزهای پایانی ماه آوریل به بن بست رسید و اتحادیه فلزکاران آلمان 'IG - Metal' اعلام نمود که از روز ۶ ماه می میلیونها کارگر فلز در مناطق مختلف آلمان دست به یک رشته اعتصابات زنجیره ای یک روزه خواهند زد. باردیگر میلیونها کارگر فلزکار برای تحقق خواسته های خود، که افزایش دستمزدها به میزان ۶/۵ درصد است، موثر - ترین شیوه به سر عقل آوردن سرمایه داران یعنی سلاح اعتصاب را به کار می گیرند، سلاحی که از سال ۱۹۹۵ تا کنون در این سطح و به این گستردگی به کار گرفته نشده است.

روز ۶ ماه می، اولین موج اعتصاب از منطقه بادن - ورتمبرگ، یکی از مراکز اصلی صنایع اتومبیل سازی آلمان، آغاز شد. در اولین روز این اعتصاب، بیش از ۶۰ هزار کارگر از ۲۱ کارخانه دست از کار کشیده و با برپایی تجمعاتی در مقابل در خروجی چند کارخانه، خواهان پذیرش خواسته های خود شدند. از سوی دیگر صدها کارگردر محوطه چندین کارخانه دست به راه - پیمایی زده و عزم راسخ خود را برای ادامه این اعتصاب تا پیروزی به نمایش گذاردند. روز ۷ ماه می نیز نوبت به بیش از ۱۳ هزار کارگر ۳۳ کارخانه سازنده ابزار - های فلزی رسید که کارها را تعطیل کرده و دست به اعتصاب بزنند. در این روز هم هزاران کارگر در مقابل در ورودی کار - خانه ها تجمع کرده و خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند.

اتحادیه فلزکاران آلمان اعلام نمود که سود سرمایه داران در سال گذشته به میلیاردها مارک رسیده و کارگران اکنون خواهان سهم بیشتری از حاصل دسترنج خود هستند. اعتصابیون در روزهای اول این اعتصاب خاطر نشان کردند که تا پیروزی نهایی به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

*- پیروزی معدنچیان هند

روز ۶ ماه می بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران معادن "میسوره" واقع در استان کارناتاکا، برای پرداخت اضافه کاری های سال گذشته، افزایش دستمزدهای ناچیز خود و بهبود ایمنی شرایط مرگبار کار خود کارها را تعطیل کرده و اعلام نمودند که تا تحقق

ستون

* کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کار به ابراز نظرات مدافعین سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاص یابد.
* مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می‌گردد.

مباحثات

* هر مقاله‌ای که برای درج در این ستون ارسال می‌گردد حداکثر می‌تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه یا در دو صفحه نشریه کار باشد.

«سخنی اجمالی با رفیق یدی»

در نشست مشترک دوم نیروهای چپ و کمونیست در آلمان جزوه‌ای ۹ صفحه‌ای با عنوان "پرسش و پاسخ به نقل از کار کمونیستی شماره ۱۴" از طرف اتحاد فدائیان کمونیست پخش گردید. جزوه مجموعاً از سوالات از پیش تعیین شده است. درباره مسایل مربوط به آکسیون مشترکی که یک سال پیش سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - واحد هلند با اکثریت و حزب توده برگزار کرده بودند که رفیق یدی به پاسخگویی سئوالات می‌پردازد. به دلیل نام‌یدی و به خاطر خاطراتی که تنی چند از رفقای نزدیک هم بند من در زندان در سال‌های مبارزه در ایران از رفیق یدی داشتند که طبیعتاً برداشت مثبتی نیز از او در ذهنم برجای گذاشته بودند و نیز به خاطر کنجکاوئی من جهت شناخت بیشتر رهبران فکری جریانات سیاسی به ویژه جنبش فدائی سریعاً به خواندن جزوه پرداختم. با خواندن نخستین سطور جزوه لحظاتی از خواندن بازایستادم و پس از کمی تأمل دوباره توانستم به خواندن ادامه دهم. هر چه پیشتر رفتم و در سطر سطر جزوه اندیشه کردم به دلایلی چند برحیرت و شگفتیم افزود شد: ۱- نحوه نگارش و ادبیات بکار گرفته شده در این جزوه تداعی کننده ادبیات اتهام زنی دهه شصت می باشد که امروز هر کسی که قلبی برای تپیدن و اندیشه‌ای برای تأمل کردن به جنبش کمونیستی ایران دارد آن را بر نمی‌تابد. ۲- رفیق یدی همه یحس خودش را در پاسخ به سئوالات، ظاهراً از نحوه برخورد و شیوه قلم زنی سازمان فدائیان (اقلیت) و چریک‌های فدائی در مقالات مندرج شده استنتاج می‌کند. وقتی در همین جزوه داخل برانترز تأکید می‌کند (البته من بیشتر نویسندگان مقالات مدنظر هستم نه همه اعضا و یا هواداران آنها) بدون این که یک جمله مستند از این مقالات ارائه دهد و یا عنوانی از مقاله را ذکر نماید و یا منبع نوشته و مقاله را معرفی کند، تا من خواننده بتوانم برای صحت ادعایش به مقالات نوشته شده از طرف فدائیان (اقلیت) و چریک‌ها رجوع نمایم و خود به داوری بنشینم، نه آنچه رفیق یدی ادعا می‌کند.

۳- تمام نوشته به نقد شیوه برخورد و اتهام زنی متداول در جنبش چپ و به تبع آن اقلیت در مقالات مربوط به نقد آکسیون مشترک هلند - مقالاتی که حداقل در نوشته فوق وجود خارجی ندارند - می‌پردازد. بدون اینکه خود در هنگام پاسخگویی در نوشته خود حداقل مرزبندی را با شیوه قلم‌زنی متداول دهه شصت بکارگیرد رعایت موازین اخلاقی و کمونیستی را حفظ نماید. ۴- ساده انگارانه مثال‌های تمثیلی از آکسیون‌ها و وحدت عمل از مبارزات کارگران داخل کشور می‌آورد و آنکه به استنتاج سطحی مشابه آن در خارج از کشور می‌رسد و این احساس را ایجاد می‌کند که می‌خواهد با رسم کردن شکل "مار" من خواننده را از یادگیری و نوشتن درست کلمه "مار" برحذر دارد.

با خواندن جزوه چندین بار تصمیم گرفتم با رفیق یدی به صحبت بنشینم، اما به خودم و ذهنم شک کردم، چرا که تا آنجا به یاد داشتم فدائیان (اقلیت) در مقاله در ارتباط با آکسیون هلند در نشریه کار نوشتند. اولی با عنوان "چپ این اقدام نسنجیده را محکوم می‌کند" کار شماره ۳۵۱ و دومی "ملاحظاتی بر یک سیاست و یک جمع‌بندی" کار شماره ۳۵۷ که به نقد جمع‌بندی هیئت سیاسی ا.ف.ک از آکسیون هلند می‌پردازد و مضمون مقالات هم کاملاً رفیقانه و با بکارگیری ادبیات درست و بدون اتهام زنی بود. اما جزوه حاضر که انبوهی از مسایل را درون خود داشت مرا به شک انداخت. لذا می‌بایست دوباره مقالات را می‌خواندم. با این ذهنیت از صحبت کردن منصرف شدم و تصمیم گرفتم مجدداً به خواندن مقالات اقلیت بپردازم و اگر لازم بود چیزی بنویسم. بعد از برگزاری آکسیون هلند، فدائیان اقلیت با درج مقاله امی در کار شماره ۳۵۱ به نقد حرکت مشترک اتحاد فدائیان کمونیست - واحد هلند با حزب توده و اکثریت پرداخت. همان موقع با خواندن مقاله بارقه‌ای از امید در ذهنم جان گرفت چرا که احساس کردم نویسنده مقاله به دور از عصبیت و اتهام زنی به نقد یک حرکت پرداخته است. برای من که همواره از شکل برخوردها و قلم زنی رایج و متداول بعد از قیام و دهه شصت در جنبش کمونیستی ایران رنج می‌بردم و تازه چند ماهی بود که با سطح برخوردها و قلم‌زنی چپ ایران به ویژه فدائیان (اقلیت) در خارج از کشور آشنا می‌شدم. مقاله مندرج در کار به معنای رسیدن به درکی تازه از برخوردها و نیز نقد شیوه نگارش سال‌های گذشته می‌توانست باشد. بیشترین سطور مقاله به موضع بیست ساله اکثریت و حزب توده قلم خورده می‌شود تا شیاری بر غبار فراموشی نسنجیده برده‌مان داده شود و بتوانیم از این شیاری نگاه‌های هرچند گذرا به گذشته و حال سازمانها داشته باشیم. باین درک که گذشته چراغ راه آینده است. یک ماه بعد هیئت سیاسی سازمان ا.ف.ک جمع‌بندی خود از آکسیون هلند را با عنوان "جمع‌بندی یک تجربه" در یک صفحه منتشر می‌کند و اقلیت این بار با نوشتن مقاله ای تحت عنوان "ملاحظاتی بر یک سیاست و یک جمع‌بندی" به نقد دیدگاه و جمع‌بندی ا.ف.ک می‌پردازد. با خواندن مجدد مقالات به برداشت اولیه خود که یک سال پیش آنها را خوانده بودم، راسخ تر شدم. مقاله اول با عنوان "چپ این اقدام نسنجیده را محکوم میکند" شروع می‌شود که خود

عنوان مقاله نشان دهنده مضمون مقاله و درک رفیقانه از فدائیان کمونیست می‌باشد. مقاله روی اقدام نسنجیده تأکید دارد. اقدامی که می‌تواند اصلاح شود و قابل پیشگیری باشد و طبیعتاً این ظرفیت رفیقانه می‌بایست در رفقای اتحاد فدائیان کمونیست وجود داشته باشد که بتواند به نقد و پیشگیری حرکت نسنجیده خود بپردازد. همین مقاله اگر با ادبیات متداول دهه شصت نوشته می‌شد، بدون شک چنین سرتیتری پیدا می‌کرد. چپ این حرکت خائنه را محکوم می‌کند. لذا مقاله با درک نسنجیده بودن حرکت فوق به موضع‌گیری می‌پردازد و پس از بررسی اجمالی مواضع گذشته و حال حزب توده و اکثریت، رفقای اتحاد فدائیان کمونیست را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌نویسد "حال جریانی (فدائیان کمونیست) که شعار سرنگونی رژیم را می‌دهد، نه از جمهوری اسلامی اعتدال یافته که از حکومت شورائی دفاع می‌کند، چگونه می‌تواند با مخالفان انقلاب و سرنگونی و با تقویت کنندگان و حامیان این نظام "همصدا" شود؟ سازمانی که مدعی دفاع از منافع کارگران است چگونه می‌تواند با حزب توده و اکثریت، این کارگران خوش خدمت بورژوازی که از منافع سرمایه - دار دفاع می‌کنند، "هم‌صفا" شود؟ این را باید ا.ف.ک پاسخ دهد؟ حال باید از رفیق یدی سؤال کرد: کجای این نوشته شما را به باد حمله گرفته‌است و کجای تیزترین مقالات به شیوه ژورنالیستی نگاشته شده‌اند که شامدر جزوه پرسش و پاسخ نوشته‌اید از تیزتر از به شیوه ژورنالیست‌های بورژوازی برای حفنه کردن تحریکات به خواننده استفاده کرده‌اند و نگاه از موضع عصبیت‌انقدر پیش بروید و بنویسید "مخالفتشان (فدائیان اقلیت) با جریاناتی نظیر حزب توده و اکثریت یک مخالفت صوری بیش نیست و اگر این پوسته به ظاهر رادیکال را بخراشی همان توده و اکثریت بیست سی سال قبل ظاهر خواهد شد." را راستی رفیق یدی! کدام جمله و سطر شما را تا این حد آشفته کرده که اینگونه قلم بزیند، مگر این که معتقد باشید حزب توده و اکثریت از مخالفان انقلاب و سرنگونی و تقویت کنندگان و حامیان جمهوری اسلامی نبوده‌اند و در تعقیب نیروهای انقلابی با رژیم همکاری نداشته‌اند و لذا بکارگیری این واژگان را تحریف مواضع و اتهام زنی بدانید. حداقل خود من در سال شصت و ده سال بودن در زندانهای جمهوری اسلامی به اندازه کافی سند و دلیل بر این مدعا دارم.

در مقاله دوم فدائیان اقلیت نیز هرچه کنجکاوانه به تأمل نشستیم، نه تنها عیارتی خارج از اخلاق کمونیستی نیافتیم بلکه به لحاظ نگارش و بکارگیری ادبیات درست، نسبت به مقاله اول حتی گامی هم جلوتر بود و این امید را در خواننده زنده می‌کند که شیوه قلم زنی رفیقانه، استفاده از ادبیات و اخلاق کمونیستی و فطرتاً برخاسته از این دیدگاه‌ها و مقالات، می‌رود که در فدائیان نهادینه گردد. حال اگر اتحاد فدائیان کمونیست و با رفیق یدی یک سال پیش مسئولانه برخورد می‌کردند و به پاسخگویی سئوالات مطرح شده در مقالات مندرج در کار می‌پرداختند، مجبور نبودند بعد از گذشت بیش از یک سال در این جزوه بنویسند "اولاً به خاطر غیر سیاسی و سطحی بودن برخورد این رفقا بود که ما کمونیست‌های جنبش فدائی اساساً هیچوقت حاضر به مقابله به مثل در این موارد نیستیم و در ثانی به خاطر تعهدی بود که مشترکاً برای تدارک برگزاری نشست جهت وحدت و انسجام این نیروها در دستور داشتیم." آیا بانوشتن این جزوه می‌توانید هنوز از دو مقوله طرح شده در نقل قول بالای خودتان حزن برزید و دفاع کنید؟ به راستی وقتی تا این حد از دل‌سوزی و رسیدن به وحدت نیروها حرف می‌زنید، چطور چنین جزوه‌ای را که در سطر سطر آن، توهین، اهانت و با تفکر و ادبیات دهه شصت نگاشته شده در شروع نشست مشترک دوم نیروهای کمونیست و چپ پخش و توزیع گردید، به اعتقاد من این حق طبیعی نه تنها شما که همه انسانها و نیروها سازمانهاست که دیدگاه‌های خود را در هر کجا و هر زمان که خواستند در اختیار همگان قرار دهند، اما حداقل باید عمل و رفتارشان همجهت با مسائل طرح شده در نوشتار - شان باشد، تا الگویی برای دیگران گردند. شما تا آنجا پیش رفته‌اید که می‌نویسید "اینها حداقل در مقام شیوه برخورد هیچ خط و مرز و تفاوتی با فرصت طلبی که یکی از خصوصیات ثبت شده حزب توده است باقی نگذاشتند. (تاکید از یدی است.) با این تصور که جماعت خواننده چشم ندارند ببینند، گوش ندارند بشنوند و عقل ندارند فکر کنند." برای من بسیار مایه تأسف است که رفیق یدی چگونه می‌تواند همه این مسایل را مطرح کند اما برای اثبات ادعای خودش حتی یک جمله از این نوشتارها را که مدعی است به سبک حزب توده به اتهام زنی فدائیان کمونیست نسنجیده‌اند، نقل قول نکنند و همزمان فدائیان کمونیست را به مثابه جریان انتقادی و کمونیستی و کارگری جنبش فدائی معرفی‌کند که به خاطر همین ویژگی‌اش دیگران آن را بر نمی‌تابند.

مگر می‌شود یک جزوه ۹ صفحه‌ای ارائه داد و کلمات و واژه‌ها را به راحتی با خوردن پست سرهم ردیف کرد و حتی مدعی داشتن "چشم‌گوش و عقل خواننده" هم بود، اما در همان حال چنان خواننده را ابله فرض نمود که نیازی به آوردن یک جمله مستند از نوشتارهایی که از آن حرف می‌زنیم، نباشد. مگر می‌شود نوشت "این دو جریان (اقلیت و چریک‌ها) در شرایطی این چیزها را سرهم بندی کردند و به خورد هوادارانشان دادند." اما در پایی از مقالاتی که "این چیزهای سرهم بندی شده" در آن آمده‌اند، نداد. چگونه رفیق یدی با داشتن سالیان متمادی تجربه و به عنوان پیش کسوت که باید برای دیگران الگوی رفتاری و نوشتاری باشد، شدیدترین حملات و اتهامات و واژه‌ها را برای اقلیت به کار می‌

از صفحه ۵

گیرد، اما ابتدایی ترین اصل قلم زنی و مقاله نویسی را که می‌بایست با استناد به نوشته طرف مقابل و آوردن نقل قول از آن بتوانیم خواننده را نیز به داور بی‌شائبه رعایت نمی‌کند و بی‌توجه از کنار آن می‌گذرد؟ چرا چنین اشتباه فاحشی رخ می‌دهد؟ حلقه مفقوده این نوشته در کجاست؟ به اعتقاد من دو مقاله مندرج در کار خصوصاً مقاله "ملاحظات بر یک سیاست و یک جمعیتی" تمام سایه روشن‌ها، ابهامات و کلی‌گویی‌های دو پهلوی جمعیتی یک تجربه هیتت سیاسی ا.ف. ک را آشکارانه به نمایش می‌گذارد و این همان نکته ظریفی است که رفیق پدی آنرا برنمی‌تابد و از موضعی کاملاً عصبی به نوشتن جزوه ای غیر مستند می‌پردازد. از آنجائی که هر دو مقاله مستند، رفیقانه و بدون اتهام زنی نوشته شده اند، رفیق پدی در تمام نوشته خود تلاش کرده هیچ ردپایی از مقالات مندرج در کارنده، تاخواننده جزوه او نتواند به قضاوت بنشیند.

اما بیشترین موضوعی که رفیق پدی از منظر آن به طرح دیدگاه‌های خود می‌پردازد و عملاً به نوعی به تبلیغ و ترویج حزب توده و اکثریت می‌نشیند از اتهام "انزواخارج کردن" این جریان است. به این جملات توجه کنید "در فاصله ۴۹ تا ۵۷ درست در شرایطی که حزب توده در ضعیف ترین موقعیت خودش قرارداشت، سازمان ما با وجود اعتبار و اورتیه آن موقع، نه تنها با خائن گفتن و بایکوت کردن، نتوانست حزب توده را منزوی کند. بلکه این حزب در آستانه قیام به آنچنان نیروی موثری تبدیل شد که نود درصد فدائیان راه‌به سمت خود جلب کردند." تا کتون هیچ یک از کادرها، اعضا و رهبری حزب توده حتی متعصب ترین آنها در هیچ نوشته، سمینار و کنگره ای مدعی نشده اند که حزبشان در آستانه قیام به آنچنان نیروی موثری تبدیل شده که رفیق پدی مدعی این قدر قدرتی حزب در آستانه قیام شده است. این را باید پدی پاسخ‌دهند که برای رسیدن به نتیجه دلخواه، آیا واقعا نیازی به تاریخ نگاری جدید است که ایشان بدان گونه به آن متوسل می‌شوند.

پدی آشکارا فدائیان اقلیت را به جعل و تحریف و جوسازی متهم می‌کند، بدون این که سندی ارائه دهد که این جعل و تحریف کجا صورت گرفته است. اما خود آگاهانه نوشته پایانی مقاله مندرج در کار را نمی‌بیند و علیرغم این که مقاله تاکید می‌کند "آمدن کلمه هلند در انتهای امضاء این جریان می‌تواند بیانگر این باشد که این اتحاد عمل و صورت اطلاعیه مشترک، موضع رسمی کل این جریان نبوده است. متعاقباً این انتظار را ایجاد می‌کند که با این اقدام در سطح جنبش بطور علنی برخورد انتقادی صورت بگیرد. ولی متأسفانه این سطور نه تنها از چشمان تیز بین رفیق پدی پوشیده می‌ماند، بلکه به وارونه کردن حقیقت هم می‌نشیند و اقلیت را متهم می‌کند که "به خواننده خود الغاء می‌کند که فدائیان کمونیست (آتهم البته نه واحد هلند بلکه سازمان فدائیان کمونیست با جریانات توده‌ای و اکثریت نشستند تا آنها را تطهیر کنند." (جمله داخل پرانتز از پدی است.) و این درحالی است که واحد هلند، ا.ف. ک بند سه جمعیتی خود از اکسیون هلند را چنین آغاز می‌کند: اعلام حمایت رسمی و سازمانی ما از این اکسیون، برغم حضور و شرکت نیروهای حزب توده، سازمان اکثریت و جبهه ملی با توجه به مضامین به ثبت رسیده این حرکت، سیاستی اصولی و ارزشمند بوده است. رفیق پدی به تنها این جملات را نمی‌بیند، بلکه فراتر هم می‌رود و دیگران را به جعل و تحریف هم متهم می‌نماید. به راستی بر جنبش چپ ما چه رفته که اینگونه قلم می‌زنیم؟ اگر رفیق پدی مقالات مندرج در کار را خوانده و چشم بسته مقاله پرسش و پاسخ را نوشته که اساساً شایسته او نیست که مقاله ای را نتواند به نقد آن بنشیند و اگر خود خوانده چگونه به تحریف دست می‌زند، در حالیکه در همین نوشته خود، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را، به خاطر داشتن اخلاق کمونیستی و این که در بین جنبش فدائی به نقد این گونه برخورد - هابرخاسته - به مثابه جریان انتقادی و کمونیستی و کارگری جنبش فدائی معرفی می‌کند. "حال من خواننده تازه به دنیای خارج کشور پا گذاشته باید خون بگیرم که رفقای اتحاد فدائیان کمونیست به مثابه جریان انتقادی و کمونیستی و کارگری جنبش فدائی" این گونه قلم می‌زنند. زمانی که هنوز به مثابه چنین جریانی نبودند و آن را نمایندگی نمی‌کردند چه می‌کردند؟ و تا حدودی فارغ از ادعا - های دست اندرکاران جنبش فدائی خود به داور بنشینیم و درک کنیم در این بیست سال بر سازمان چریکهای فدائی خلق - اقلیت چه رفته است. من می‌پذیرم که تنها با خائن خواندن یک جریان نمی‌توان به مبارزه با آن برخاست و حتی نمی‌توان به ایزوله کردن آن پرداخت. اگر نتوانیم بنیادهای ایدئولوژیک یک خط مشی را بشناسیم، اگر نتوانیم درک درستی از پایگاه طبقاتی یک جریان داشته باشیم، اگر نتوانیم سیاستها و برنامه یک جریان را نقد کنیم و بنیان‌های فکری آنرا بازنماییم چه بسا همان عملکرد را داشته باشیم، درحالی که مدام جریان مورد نظر را خائن و اپورتونیسیم بخوانیم. همانند اکثریت در ماههای اولیه بعد از اشعاب ۵۹ که هنوز مقالاتی در نقد حزب توده و وفی پیوستن به آن در کار اکثریت درج می‌کردند. چنین نگاه سطحی، بدون شناخت همه‌جانبه از یک جریان بیشتر به یک‌درک دینی و مذهبی شایسته دارد که انسانها راتنها از منظر بجا آوردن نماز و ترک آن می‌نگرد و تا بدانجا پیش می‌رود که اگر فرد نماز بخواند انسان خوب و برحق می‌شود و اگر نماز نخواند انسان باطلی خواهد بود. لذا ساده‌انگارانه است فکر کنیم هرکس و هرچیزی حزب توده و اکثریت را خائن خواند بنابراین رادیکال است و اگر جریانی در نوشته - های خود واژه خائن را بکار نبرد غیر رادیکال. چنین درک ساده انکارانه این فرصت را به عناصر فرمیست و فرصت طلب خواهد داد که با گفتن یک خائن به حزب توده برای خود مصونیت اولیه ایجاد کنند و آنگاه درک و گرایش خود را آرام آرام در درون جمع و دیگران نضح دهند و جمع هم اگر با بنیادهای فکری و ایدئولوژیک این گرایش شناختی عمیق و بنیادی نداشته باشد، با موضع ضد توده‌ای و اکثریت عملیاتی

توده ای باشند. اما آیا می‌توانیم از این مقدمات ابتدائی و درست به استنتاجی به غایت نادرست برسیم و دست به اتحاد عمل با چنین جریاناتی بزنیم و در همین جزوه ۹ صفحه‌ای علیرغم نوشتن سه سطر جمعیتی خود مبنی بر این که "صحبت از اتحاد عمل و همکاری با جریاناتی نظیر حزب توده و اکثریت زمانی در میان خواهد بود که این جریانات ضمن برخورد انتقادی با سیاست‌های ضربه زنده خود در گذشته از ادامه سیاست مماشات‌طلبانه با ریاست دست بردارند و سیاست و عملکرد آنها به امر مبارزه در راه استقرار آزادی، برابری و عدالت اجتماعی لطمه نزنند." در عمل چندین صفحه دیگر به نفع حزب توده و اکثریت قلم بزنیم و علیرغم نوشتن سطور بالا دوباره این گونه به توجیه مسئله بپردازیم: "اگر فردا در مرحله کارخانه، خیابان و غیره از طرف جریانی دعوت به اکسیون شد که ما با پلانفرم آن مخالف نبودیم و یا خود فراخوانی دادیم و به هر دلیلی یکی از این جریانات "خائن" و ضد انقلاب آمد و از این حرکت پشتیبانی کرد و در آن شرکت نمود؛ تکلیف چیست؟ آیا باید میدان را خالی یکنیم و برویم کنار و بلندگو را به دست آنها بسپاریم" آیه راستی رفیق پدی متوجه تفاوت مثال خود با آنچه در خارج کشور رخ داده و خواهد داد نیست. آیا حرکت در کارخانه، خیابان و با اکسیونی در درون جامعه ایران صورت بگیرد و یا در یک حرکت اعتراضی درون کارخانه که ممکن است کارگران با گرایشات سیاسی متفاوت در آن حضور یابند می‌توان نقب زد و آنگاه به نتیجه گیری اتحاد عمل با نیروهای همانند حزب توده و اکثریت در خارج از کشور رسید که فقط رهبران و عناصر متشکله فکری - سیاسی آنها در آن حضور دارند رهبرانی که خود با بنیان سیاست‌های گذشته بوده اند هنوز هم هستند. آیا رفیق پدی متوجه تفاوت بحث خود در خارج از کشور و درون کارخانه در ایران نیست که می‌نویسد "اگر در جایی نظیر یک تشکل کارگری، یک تشکل دمکراتیک و یا یک کمیته اعصاب کارگران که ممکن است نمایندگانی هم از این "خائنین" باشند تکلیف چیست؟ یا پز توخالی هم نمی‌شود به کارگر پاسخ داد و شکم زن و بچه او را سیر کرد و یا در نوازن قوا تحولی ایجاد نمود" (فراموش نکنیم که کلمه خائن و خائنین از طرف رفیق پدی در داخل گیومه آورده شده و معنی اش این است که این واژه را دیگران بکار می‌گیرند و نه رفیق پدی) اینجاست که خواننده جزوه پرسش و پاسخ به این نتیجه منطقی خواهد رسید که رفیق پدی تلاش می‌کند با گشودن شکل "مارخواننده را از آموزش و نوشتن کلمه "مار" جهت شناختن بیشتر باز دارد. به اعتقاد من لازم است همه رفقای جنبش فدائی علی‌الخصوص رفقای که با شیوه برخورد اتهام زنی و به کارگیری ادبیات دهه شصت که - محصول فضای لوده و بحرانی آن سالها بوده - موضع دارند، به ویژه خود رفیق پدی یک بار دیگر منصفانه بنشینند و به دور از عصبانیت و با آرامش مقالات "چپ این اقدام نسنجیده را محکوم میکنند" و "ملاحظات بر یک سیاست و یک جمعیتی" مندرج در کار اقلیت شماره‌های ۳۵۱ و ۳۵۷ و نیز جزوه پرسش و پاسخ برگرفته از کار کمونیستی شماره ۱۴ نوشته پدی را بخوانند تا بتوانیم به دوازده‌ا‌های فلان و بهمان رفیق و نویسنده مقالات به قضاوت بنشینیم.

به راستی چرا در جنبش چپ ما هنوز میان حرف، ادعا و عمل دره عمیقی وجود دارد؟ برای من به لحاظ روحی خواندن جزوه ۹ صفحه‌ای پرسش و پاسخ پدی بسیار دردآور بود، چرا که به باور من رفیق پدی با این نوشته به حرمت و اعتبار خودش ضربه زد و این برای جنبش فدائی که سرمایه‌های اندکی از گذشته برایش باقی مانده، خسران و مایه تاسف است.

گاهی که در این جزوه ارائه شده و به من خواننده هم منتقل می‌شود، حتی تحمل فدائیان اقلیت را ندارد. نگاه پدی در این جزوه به حزب توده و اکثریت بسیار با حرمت‌ر دیده می‌شود تا نسبت به فدائیان اقلیت، به طوری که با حساسیت زیاد الوصفی هر جا واژه "خائن" و "خائنین" را آورده، آنرا داخل گیومه گذاشته تا خود را مبرا از یکبارگی این واژه‌ها نشان دهد و اما در همان حال بدون کوچکترین دغدغه و احساس مسئولیت در قلم‌زنی یک دهم حساسیتی را که در مقابل حرمت گذاشتن به حزب توده و اکثریت از خود بروز داده، در حفظ حرمت فدائیان اقلیت از خود نشان نمی‌دهد.

من با بضاعت اندک خود تلاش کردم نگاهی اجمالی و گذرا به جزوه پرسش و پاسخ رفیق پدی داشته باشم. جزوه فوق را می‌توان از زوایای مختلف به نقد و بررسی نشست. اما موثرترین نقد آن خواندن خود جزوه است، چرا که سطر سطر جزوه قابل نقد و بررسی است و نمی‌توان همه نوشته را به صورت نقل قول آورد. برای من که تازه به دنیای خارج از کشور پا گذاشته‌ام و با حساسیت، شیوه برخورد و نگاه افراد و سازمان‌ها را نسبت به یکدیگر دنبال و پی‌می‌گیرم بسیار مایه تاسف است که شاهد چنین نوشتاری تا این حد غیرمستند باشم. آن هم در کانون وحدت و اتحاد و از انجایی که جنبش چپ ما نیاز مبرمی دارد که با برخوردهای غیرمستند، اتهام زنی و استفاده از ادبیات تخریبی دهه شصت فاصله بگیرد، تا بتواند در بستر رفیقانه وحدت به نزدیکی و انسجام بیشتری دست یابد و از آنجا که برای همه مبارزین و به ویژه مبارزین جنبش فدائی که در عرصه عمل و پراتیک امتحان خود را پس داده‌اند و جزو سرمایه‌های این جنبش محسوب می‌شوند ارزش و احترام قائل هستیم و خود را موظف به حفظ حرمت این رفقا می‌دانم، لذا تمام سعی خود را برای مهم گذاشتن تاضمن نقد مسایل مطرح شده در جزوه پرسش و پاسخ فقط به صورت مستند به نقد نوشته و دیدگاه‌های رفیق پدی بپردازم. حال اگر علیرغم میل در این نوشته قصوری در این امر صورت گرفته باشد، انتظار دارم رفیق پدی با گشاده دستی و تحمل رفیقانه به یادآوری بنشیند.

سمینار بین‌المللی کمونیستی بلژیک

-سومین روز سمینار با سخنرانی نماینده فوروم ضد امپریالیستی "نپال آغاز شد. وی ضمن مروری تاریخی بر مبارزات توده‌های ستم‌دیده اقرن ۱۸ تاکنون، بر ضرورت انقلاب تاکید نمود و نیروهای ضد امپریالیست را به مبارزه ای متحد و جهانی فراخواند.

-یکی از پرشورترین مباحث سمینار توسط "ابوخلیل" نماینده جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PLFO) ارائه شد که با استقبال شدید حضار مواجه شد. وی سخنرانی خود را چنین آغاز کرد: "با پوزش از حضار من از بحث تئوریک حول بحران اقتصادی و سیاسی جهان صرف نظر می‌کنم و توجه‌تان را به یکی از مراکز بحران سیاسی-اقتصادی جهان جلب می‌کنم چراکه ما مارکسیست - لنینیست‌ها باید یافته‌ها و باورهای ایدئولوژیکمان را در تحلیل اوضاع سیاسی روز به کار بگیریم . . . منطقه ما' آزمایشگاه سلاح‌های نظامی امپریالیست‌هاست: بمب‌های "وکیوم" اولین بار در بیروت امتحان شدند، بمب‌هایی بدون صدا بودند که در کوتاهترین مدت ساختمانها و عمارتها را خراب می‌کنند. منطقه ما' کانون ثروتمندان جهان و در همان حال مرکز فقر و بدبختی بخش عظمی از ساکنان است . . . جنگ‌های متعددی داشته و خواهیم داشت. جنگ بر سر زمین، یکی از این جنگ‌هاست که شاهد آن هستیم . . . یکی از جنگ‌های آینده در منطقه ما بر سر آب خواهد بود . . . کنترل آب یکی از معضلات و موارد شایان اهمیت است که در پس تخصصات فعلی . . . کمرنگ شده و از دید جهانیان محوشده اما یکی از زمینه‌های مادی درگیری‌هاست . . . هنگامی که کنترل ۹۰ درصد نوار غزه در دست اسرائیل است، چگونه آب مورد نیاز فلسطینی - ها تامین می‌شود؟ آبی که در حال حاضر از حفر سرزمین‌های فلسطینی نشین، به دست می‌آید، تنها کفاف ۳۰ درصد نیاز فلسطینی - هاست . . . در منطقه ما که ثروتمندترین افراد جهان رادخود جای داده است، ۷۵٪ از زنان، بیسوادند، ۴۵-۴۰ درصد از مردان خواندن و نوشتن نمی‌دانند . . . ماطلای سیاه صادراتی کنیم، چرخ‌های کارخانجات و تولید در سایر کشورها به حرکت می‌افتند، اما اکثریت مردم منطقه در فقر و بدبختی و آوارگی به سر می‌برند . . . اگر با هواپیما از مراکش تا بغداد، بر فراز کشورهای عربی پرواز کنید، . . . دود کارخانجات که سمبل تولید و صنعت است را خواهید دید . . . این کشورها سوزن مورد نیاز را نیز از خارج وارد می‌کنند چرا که فاقد صنعت و تولیدند. . . از همین رو زمانی که از جهان عرب صحبت می‌شود، باید در نظر داشت که مجموعه شرایط در این کشور - ها هم بورژوازی عرب را و می‌دارد که متحدا وارد عمل شوند و هم طبقه کارگر را وامی‌دارد در قالب کارگران جهان عرب، عرض اندام کنند. . . امپریالیسم برغم تلاش‌های مکرر، نتوانسته است اعراب را تجزیه

کند. . . هم بورژوازی و هم کارگران، هریک در صفوف طبقاتی خود، از تاکید بر "عرب بودن" منافع ویژه‌ای را دنبال می‌کنند . . . مادام که در منطقه، اقتصاد و صنعت و تولید، رونق و شکوفایی نداشته باشد، طبقه کارگر صنعتی یا غایب است یا ضعیف و لذا اخوت و برادری کارگران عرب، کمرنگ و تحت - الشاع اخوت ثروتمندان عرب است. توده‌های ستم‌دیده عرب مخالف تروریسم، کاپیتالیسم و دشمن سرسخت استثمارند. شرایط ویژه منطقه، پیوندهای عمیقی در میان توده‌های مردم به وجود آورده است. . . ما بر این پیوند -ها افتخار می‌کنیم. نیروهای مترقی جهان عرب، موضع کمابیش مشترکی نسبت به مسئله فلسطین دارند: دولتی مستقل، دمکراتیک و سکولار در فلسطین."

-نماینده جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین، با گذری تاریخی به اوضاع این کشور بر سیاست -های سرکوب‌گرانه امپریالیسم آمریکا اشاره کرد: "طی جنگ آمریکا در سال‌های ۱۹۱۶-۱۷۹۹ بیش از ۲۰ درصد جمعیت فیلیپین کشته شدند. مبارزات متعدد علیه حضور نیروهای آمریکا یکی از جوانب مهم مبارزات جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین بوده است. ایجاد و تقویت اتحادیه‌های کارگری، زنان و جوانان از جمله دستاوردهای این مبارزات است."

- در بخش بعدی، نماینده جنبش انقلابی ۸ اکتبر برزیل موسوم به (MR8) از رشد مبارزات ضد امپریالیستی در برزیل گزارش داد. وی خاطر نشام ساخت که این مبارزات خصوصا پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و عواقب آن، رو به رشد بوده است.

-نماینده کمونیست نروژ (AKP) تنها سخن -رانی بود که از عدم تاثیر بحران اقتصادی جهانی بر کشورش سخن گفت. وی گفت: "گرچه روند خصوصی شدن در بخش اقتصاد نروژ در پیش گرفته نشده است، اما به علت عدم عضویت نروژ در اتحادیه اقتصادی اروپا، تعرضاتی که در سایر نقاط جهان به دست‌آوردهای کارگران آغاز شده، هنوز در نروژ به چشم نمی‌خورد. هنوز از انجام دستمزدها خبری نیست. در نروژ، بورژوازی در مرحله تدارک حمله به دست آوردها به سر می‌برد. در حالی که در سایر نقاط این فازمتهاست سپری شده است. لذا شناورسازی نیروی کار و ساعات کار یکی از پدیده‌های رایج است. اما ثروت فراوان در نروژ، مانع از کاهش دستمزد - هاست. همین امر موجب شده که نقش اتحادیه‌ها کمرنگ شوند. تلاش مابه‌عنوان نیروهای چپ و کمونیست، تقویت گرایش رزمند در درون اتحادیه جهت مقابله با حملات آتی علیه دست آوردهاست. از طرف دیگر ما عرصه دیگری برای فعالیت داریم که مبارزه علیه ورود نروژ به جامعه اروپاست."

- جنبش "ضد گلوبالیزاسیون" و برخورد گرایشات انحرافی درون آن، محور بحث نماینده حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست انقلابی سوئد (KPML-۲) بود. وی ضمن مروری بر اعتراضات جهانی علیه نهادهای مالی و اقتصادی امپریالیستی، آثارشیم را خطر عمده درون این جنبش معرفی کرد و از نیروهای فعال این جنبش خواست تا مرزبندی قاطعی با نقش مخرب آثارشیم اتخاذ نمایند. وی به سمینار پیشنهاد نمود تا به کارگیری روش و اخلاق واحدی به برخورد نظری با این گرایش پرداخته شود اما این پیشنهاد عملا از دستور کار سمینار خارج شد.

- سخنران بعدی، نماینده مرکز اتحاد سوسیالیستی هند بود که بر ضرورت سازمان -دهی جنبش هدفمند و جهت دار سوسیالیستی تاکید نمود. وی اظهار داشت، درس‌گیری از تجارب جنبش‌های جهانی به ما می‌آموزد که سوسیالیسم بدون انقلاب و انقلاب بدون تشکل، سازماندهی و رهبری انقلابی و طبقاتی میسر نیست.

- وضعیت اقتصادی در مکزیک، بیکاری و مهاجرت کارگران این کشور به آمریکا، موضوع سخنرانی نماینده (P.E.M) مکزیک بود. وی گفت تورم و بیکاری روز به روز شدت می‌یابد و تاثیرات مخرب قراردادهای اقتصادی از جمله نفتا زندگی را بر کارگران سیاه می‌کند.

- شرایط زنان در صنایع نساجی، محور سخنان نماینده فدراسیون اتحادیه‌های کارگری ملی بنگلادش بود. وی گفت: "۹۰٪ در صد شاغلین در بخش صنایع نساجی را زنان تشکیل می‌دهند. جداسازی جنسی در محیط کار بیدامی کند. سطح دستمزد زنان عمدتا پائین تر از همکاران مرد است. عدم داشتن حقوق اتحادیه‌ای، موقعیت زنان کارگر را شکننده تر از همقطاران مردان - شان کرده است.

در پایان سمینار پیشنهادهایی برای موضوع سمینار سال آینده ارائه شد. یک قطعنامه عمومی سمینار خوانده شد. پس از چند پیشنهاد، قرار شد که هر سازمان و حزب متن قطعنامه پایانی را به بحث گذارده و در صورت داشتن اصلاحیه آن را به هیئت رئیسه ارائه دهد تا متن پایانی در ۳۰ ماه مه منتشر شود. به جز این قطعنامه، چندین قطعنامه دیگر ارائه شد که هیئت نمایندگی سازمان ما قطعنامه‌های زیر را امضا کرد:

- قطعنامه در مورد زندانیان سیاسی در نپال
- قطعنامه محکومیت تجاوز صهیونیستی و امپریالیستی برضد جهان عرب
- قطعنامه برای خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای نظامی آمریکا از فیلیپین
- قطعنامه علیه "قوانین ضد تروریسم" مصوب اتحادیه اروپا.

ازصفحه ۱

((طرح منع شکنجه)) و بلامانع بودن شکنجه

و . . در حکم شکنجه بوده و اعمال آن ممنوع می باشد. اما این ماده به سادگی با یک تبصره منتفی اعلام می گردد و همین تبصره ماهیت این طرح را بر ملا می کند. تبصره می گوید در موارد ضرورت و برای کشف فوری جرایم محتمل الوقوع، بازجو، قاضی، وزارت اطلاعات، می توانند مواردی را که در بندهای ماده اول به عنوان مصادیق بارز شکنجه از آنها نام برده شده بود به کار گیرند. و این "ضرورت" کاربرد شکنجه و "بلامانع" بودن آن، شامل هرگونه اقدام مسلحانه، عضویت در گروه های محارب، جاسوسی به نفع بیگانگان، فعالیت در شبکه های قاچاق مواد مخدر، گروگان گیری و آدم ربایی می شود. در پی تصویب این طرح در مجلس، حالا تمام بحث طرفداران پوشیده و آشکار حکومت اسلامی این است که آیا شورای نگهبان این مصوبه را تأیید می کند یا نه؟ گویا که با رد یا تأیید این مصوبه چیزی در این میان تغییر خواهد کرد. مسئله طرفداران نیست که شکنجه و کشتار جزء لاینفک حکومت اسلامی - ست، بلکه طرحی که ادعای منع شکنجه را دارد شکنجه را رسماً مجاز می داند و کاربرد آن را اساساً در مورد مخالفین سیاسی "بلامانع" اعلام می کند و برای رد گم کردن، اقداماتی نظیر فعالیت در شبکه های قاچاق مواد مخدر، را هم به آن می افزاید. اما مستثنی از کشمکش ها و اختلافات مجلس و شورای نگهبان، هدف از ارائه این طرح و تصویب آن چیست؟ مقدم بر هر چیزی این طرح، یک هدف سیاسی - تبلیغاتی را دنبال می کند. گروه های دو خردادی که با وعده های عریض و طویل در مورد "اصلاحات" به مجلس آمدند و به سرعت پوچ بودن ادعاهای خود را به همگان نشان دادند، اکنون کارشان این شده است که هر چند وقت یک بار، طرحی را در مجلس تصویب کنند که ظاهراً نشان دهند تافته ای جدا بافته از کل حاکمیت اند و اگر اقدامی به نفع مردم و خواست های آنها صورت نمی گیرد، مقصر جناح رقیب است که مصوبات گویا "اصلاح طلبانه" مجلس را وتو می کند و جلوی اجرای آنها را می گیرد. آنها بدین طریق همواره می کوشند نقش خود را در فریب توده مردم نا آگاه و پاسداری از نظم ارتجاعی موجود ایفا کنند. اما آنها در عین حال می کوشند با این مصوبات، موقعیت خود را در نمازعه دو جناح تحکیم بخشند و محدودیت های جناح رقیب را خنثی سازند.

لذا اگر آنها از آزادی سیاسی سخن می گویند، منظورشان این نیست که آزادی های سیاسی برای عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شود، بلکه منظورشان این است که جناح رقیب آنها، این آزادی را به طور کامل برای آنها به رسمیت بشناسد. اگر از آزادی مطبوعات سخن می گویند، به هیچ وجه منظور - شان این نیست که هر مخالفی بتواند حرف خود را آزادانه در مطبوعات بگوید و نشریه ای را منتشر کند، آزادی مطبوعات از دیدگاه آنها بدین معناست که دستگاه قضائی رژیم، نشریات آنها را توقیف نکند. اگر از آزادی تشکل مستقل سخن می گویند، منظورشان این نیست که توده های مردم ایران، کار - گران و زحمتکشان و زنان بتوانند تشکلهای وابسته خود را ایجاد کنند. بر همین منوال، اگر از منع شکنجه سخن می گویند، همان گونه که در مصوبه اخیر کاملاً مشهود است، منظورشان این نیست که شکنجه به عنوان یک اقدام وحشیانه و ضد انسانی باید به طور کامل و بدون هرگونه استثناء و تبصره برافند بلکه منظورشان این است که اعضای گروه های طرفدار دو خردادی ها نظیر ملی - مذهبی ها از هرگونه فشار و شکنجه ای معاف باشند. والا همانگونه که از مفاد این طرح برمی آید، آنها مشکلی ندارند که مخالفین جمهوری اسلامی که گروه های محارب نامیده می شوند و یامردمی که به اقدام مسلحانه علیه رژیم متوسل می شوند، شکنجه شوند. تازه، همان گونه که اشاره شد، یکی از اهداف گروه های دو خردادی از ارائه چنین طرح هایی، تبلیغاتی ست. اگر روزی تمام قدرت سیاسی در دست آنها قرار بگیرد، همین تبصره و استثناء به قاعده عمومی عمل آنها تبدیل خواهد شد. مگر نه این است که همین نمایندگان کنونی مجلس ارتجاع اسلامی خودشان اعضای وزارت اطلاعات، بازجو و شکنجه گر، پاسدار و بسیجی و حزب الهی بوده اند و مگر جز این است که آنها در شکنجه، کشتار و قتل عام صدها هزار تن از مردم ایران دست داشته اند؟ مگر هم اکنون خود را طرفدار جمهوری اسلامی نمی دانند؟ مگر افتخار - شان مسلمان بودن نیست؟ و مگر احکام اعتقادی شان قطع دست و پای انسان با ساطور، بریدن سر یک انسان با شمشیر، زجر کش کردن یک انسان با سنگسار و

درصفحه ۲

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue Lecourbe
75015 Paris
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۱۹۶۷

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:
info@fedaiian-minority.org
نشانی سازمان بر روی اینترنت:
<http://www.fedaiian-minority.org>
Organization Of Fedaian (Minority)

No.381 mei 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی